

بازخوانی یک سنت دیرینه؛ چرا دوره‌می‌های خانوادگی کم‌رنگ شده‌اند؟

در حالی که شب‌های آیینی همچون یلدا و شب عید نوروز، سال‌ها نقش مهمی در تقویت روابط خانوادگی و انتقال ارزش‌های فرهنگی داشته‌اند،



ایسنا/آذربایجان شرقی در حالی که شب‌های آیینی همچون یلدا و شب عید نوروز، سال‌ها نقش مهمی در تقویت روابط خانوادگی و انتقال ارزش‌های فرهنگی داشته‌اند، تغییر سبک زندگی و افزایش مشغله‌های فردی سبب شده تا حضور در جمع‌های خانوادگی کم‌رنگ‌تر شود، موضوعی که به باور جامعه‌شناسان، صرفاً نشانه فروپاشی فرهنگی نیست، بلکه بازتابی از دگرگونی‌های طبیعی، در شکل ارتباطات اجتماعی، امروز است.

کارشناسان بر این باورند که اگرچه کاهش این دوره‌می‌ها می‌تواند ما را نسبت به آینده روابط خانوادگی هوشیارتر کند، اما همین تغییرات فرصتی است برای بازنگری در شیوه‌های ارتباطی و ایجاد شکل‌های جدیدی از صله رحم و تعامل اجتماعی. شب‌های آیینی همچنان ظرفیت آن را دارند که با تکیه بر گفت‌وگو، احترام و شادی مشترک، پیوند خانواده‌ها را استوار نگه دارند و نسل جوان را به مشارکت دوباره در جمع‌های خانوادگی ترغیب کنند. این تغییرات اگر درست مدیریت شود، نه تنها تهدید نیست، بلکه می‌تواند آغاز مرحله‌ای تازه از انسجام اجتماعی در دل خانواده‌های ایرانی باشد.

یک جامعه‌شناس در گفت‌وگو با ایسنا درباره پیامدهای فاصله گرفتن خانواده‌ها از دوره‌می‌های سنتی همچون شب یلدا و دید و بازدیدهای نوروزی هشدار داد و گفت: عناصر فرهنگی به سادگی از بین نمی‌روند، این عناصر در یک روند تاریخی شکل گرفته، تکامل یافته و توسعه پیدا کرده‌اند و جامعه آن‌ها را ساخته است. بنابراین حذف یا تضعیف شان دشوار است و معمولاً با مقاومت

اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

کم‌رنگ شدن سنت‌ها، زنگ خطری برای جامعه

موسی‌نیرومند با اشاره به اینکه در سال‌های اخیر برخی از آیین‌های فرهنگی کم‌رنگ شده‌اند، افزود: رفتارهای فرهنگی به دلیل تاریخی و اجتماعی بودن، تدریجی شکل گرفته‌اند و کاهش حضور مردم در آن‌ها برای جامعه یک هشدار جدی است. امروزه مهمانی رفتن، صله رحم و دوره‌م جمع شدن‌ها کمتر شده و جوانان به ویژه در شب‌های آیینی تمایل کمتری به حضور در جمع خانواده دارند.

وی دلیل این تغییر را کاهش سازگاری و انعطاف‌پذیری اجتماعی دانست و اظهار کرد: تحمل ما نسبت به یکدیگر کم شده و انسجام و سازگاری خانوادگی کاهش یافته است. بسیاری از جوانان توان حضور در جمع را ندارند. این مسئله باید آسیب‌شناسی و پژوهش شود، چرا که ممکن است بخشی از اختلالات روانی و رفتاری و افزایش آسیب‌های اجتماعی با کاهش روابط دوره‌می‌ها در ارتباط باشد.

این جامعه‌شناس با اشاره به اهمیت نقش جمع در رشد ذهنی و اجتماعی تأکید کرد: حضور در جمع، انعطاف‌پذیری و ارتباط‌گیری را تقویت کرده و ذهن را فعال نگه می‌دارد. ذهن انعطاف‌پذیر و فعال می‌تواند اجتماع و پیوندهای انسانی را شکل دهد. وی با بررسی ریشه‌های این مسئله در تربیت نسل جدید اضافه کرد: مشکلات ارتباطی امروز تا حد زیادی به دوران کودکی بازمی‌گردد. جامعه و خانواده نتوانسته‌اند در سنین شکل‌گیری امیال، این نیاز را تأمین کنند. همچنین بسیاری از امیال و نیازهای طبیعی کودکان سرکوب شده است و والدین در زمان مناسب استقلال را به فرزندان نداده‌اند. همه این عوامل سبب شده افراد نتوانند در جمع نقش‌آفرینی کنند و از حضور اجتماعی‌گریزان هستند.

وی ادامه داد: روابط اجتماعی امروز بر پایه قدردانی و کرامت بنا نشده است. ستایش، سلام و احترام که موجب رشد انسان و انسجام جمعی می‌شود، کم‌رنگ شده است. روابط به سمت تنبیه، تعارض و توقع پیش‌رفته و هیجان‌های منفی و خشم در ارتباطات قوت گرفته است.

نیرومند گفت: این شرایط ما را از رفتارهای اجتماعی دور می‌کند و مانع حضور جوانان در آیین‌های جمعی می‌شود. کاهش مشارکت در شب‌های آیینی مانند یلدا، نشانه‌ای از همین گسست اجتماعی است و نیاز به بررسی و توجه جدی دارد. یک روانشناس نیز در این خصوص در گفت‌وگو با ایسنا افزود: از منظر روان‌کاوی، یلدا تنها یک آیین تقویمی نیست، بلکه موقعیتی نمادین است که ناخودآگاه جمعی را فعال می‌کند و افراد را به خانواده، ریشه‌ها و روابط اولیه بازمی‌گرداند، جایی که عشق و امنیت، اما هم‌زمان تعارض، فقدان و طرد نیز شکل گرفته‌اند.

ابوالفضل محمدیان با اشاره به اینکه یلدا برای برخی افراد منبع رنج عمیق روانی می‌شود، اظهار کرد: برای کسانی که از خانواده دور افتاده‌اند، داغ دیده، مهاجرت کرده‌اند، طلاق را تجربه کرده‌اند یا هرگز تجربه امنی از خانواده نداشته‌اند، یلدا می‌تواند شب فعال شدن سوگ‌های حل‌نشده باشد. در این تجربه، تنهایی صرفاً نبود دیگران نیست، بلکه مواجهه دردناک با تصویری ایده‌آل از خانواده است که فرهنگ مدام آن را بازتولید می‌کند.

این روانشناس بالینی تأکید کرد: آیین‌هایی مانند یلدا با تأکید بر تکرار، ما را به دوران کودکی بازمی‌گرداند به سفره‌ها، صداها و چهره‌هایی که نخستین تجربه‌های تعلق یا محرومیت در کنار آن‌ها شکل گرفته است. به همین دلیل، احساس اندوه یا خلأ در این شب، اغلب ریشه‌ای عمیق‌تر از موقعیت فعلی دارد و می‌تواند به افسردگی پنهان و انزوا دامن بزند.

محمدیان با بیان اینکه حتی برای کسانی که در یلدا دور هم جمع می‌شوند، این شب همیشه گرم و امن نیست، گفت: خانواده می‌تواند صحنه زنده شدن خشم‌های فروخورده، رقابت‌های قدیمی، احساس خفگی روانی و نقش‌هایی باشد که فرد سال‌هاست می‌خواهد از آن‌ها فرار کند. در این معنا، تنهایی درون جمع‌گاه دردناک‌تر از تنها بودن واقعی است.

یلدا، آینه‌ای برای سنجش کیفیت روابط انسانی

وی افزود: روان‌کاوی به ما یادآوری می‌کند که یلدا بیش از آنکه جشن همگانی شادی باشد، آینه‌ای از کیفیت روابط ماست آینه‌ای که نشان می‌دهد چه کسی جایی برای تعلق دارد و چه کسی در حاشیه مانده است. نادیده گرفتن این تنهایی‌ها می‌

تواند به مزمن شدن احساس انزوا، بی اعتمادی اجتماعی و حتی به افزایش افکار آسیب زا منجر شود. محمدیان با نگاهی جامعه شناختی بیان کرد: از منظر جامعه شناسی، آیین‌هایی مثل یلدا حامل یک هنجار جمعی قدرتمند هستند «باید کنار خانواده باشی». اما واقعیت اجتماعی امروز با این هنجار فاصله گرفته است. مهاجرت گسترده، دورافتادگی جغرافیایی، تغییر ساختار خانواده‌ها، افزایش خانواده‌های تک نفره و فشارهای اقتصادی، همگی این شکاف را تشدید کرده‌اند. این روانشناس بالینی ادامه داد: این شکاف میان انتظار فرهنگی و واقعیت زیسته، نوعی احساس ناکامی اجتماعی ایجاد می‌کند. فرد نه تنها تنهاست، بلکه احساس می‌کند نباید تنها باشد. این احساس نابهنجار بودن تنهایی، رنج روانی را دوچندان می‌کند.

محمدیان به اثر شبکه‌های اجتماعی بر این پدیده اشاره کرد و گفت: در روان‌شناسی اجتماعی، شب‌های آیینی بستری قوی برای مقایسه اجتماعی هستند، به ویژه در عصر شبکه‌های اجتماعی. تصاویر خانواده‌های شاد و سفره‌های رنگین، برای فرد تنها می‌تواند به تجربه‌ای دردناک تبدیل شود.

طرد نامرئی، وقتی افراد در جامعه حضور دارند اما تعلق ندارند

وی خاطرنشان کرد: در این فضا، تنهایی به تجربه‌ای شخصی و شرم‌آور بدل می‌شود و حس دیده نشدن و بی‌اهمیتی تقویت می‌شود. این همان طرد نامرئی است فرد از نظر فیزیکی در جامعه حضور دارد، اما از نظر عاطفی بیرون مانده است. محمدیان در برای مواجهه با این پدیده، راهکارهایی را در سطوح مختلف مطرح کرد و گفت: در سطح فردی، به رسمیت شناختن احساس تنهایی و شکستن سکوت پیرامون آن اهمیت دارد. در سطح خانوادگی، گسترش تعریف خانواده به فراتر از روابط خونی و دربرگرفتن شبکه‌های حمایتی ضروری است. در سطح اجتماعی و سیاست‌گذاری نیز ایجاد فضاهای جمعی، داوطلبانه و حمایتی در شب‌های آیینی برای گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند مؤثر باشد چراکه جامعه سالم، جامعه‌ای است که هم صدای خنده‌ها را می‌شنود و هم سکوت تنهایی‌ها را. وی تأکید کرد: یلدا زمانی می‌تواند معنای واقعی خود را بازیابد که فرهنگ و جامعه، جایی هم برای تنهایی‌ها، غم‌ها و روایت‌های متفاوت از خانواده باز کند. شب عبور از تاریکی، تنها زمانی کامل است که همه حتی آنان که تنها مانده‌اند، دیده شوند.